

نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کیفیت امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران

مهدی خانجانی^۱

سید رحیم صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳

چکیده

موقفیت اسلام شیعی در ایفای نقش ایدئولوژی انقلاب در ایران، تشیع را به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار در سطح ژئوپلیتیک شیعه و جهان اسلام مطرح کرده است. با قدرت گرفتن ایران در منطقه و به‌قدرت رسیدن شیعیان در عراق و هم‌چنین افزایش محبوبیت «حزب‌الله» لبنان در میان ملت‌ها و قدرت‌نمایی شیعیان در دیگر کشورها از جمله یمن، دیگر نمی‌توان قدرت شیعیان را نادیده گرفت. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران توانسته پیروان بی‌شماری در جهان پیدا کند. گروه‌های آرمان‌گرای اسلامی با محوریت تشیع رابطه‌ای تنگاتنگ با آن برقرار کرده‌اند. این اقوام و گروه‌ها به‌واسطه ایدئولوژی یکسان با انقلاب توانسته‌اند سد محکمی در برابر دشمنان انقلاب ایجاد کنند که به سبب آن امنیت مرزهای ایران اسلامی را در پی داشته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی در پاسخ به این پرسش است که اساساً نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کیفیت امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران چیست. نتایج تحقیق نشان داد نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی باعث ارتقای امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران می‌شود. ایدئولوژی انقلاب اسلامی منافع ایران را در کیلومترها دورتر فراهم می‌کند. اگرچه حراست از مرزهای جغرافیایی نقشه هر کشور، امنیت را برای آن فراهم می‌سازد، انتقال کنش متقابل بین ایدئولوژی انقلاب اسلامی با دیگر ایدئولوژیها در خارج از حدود مرزهای سیاسی، امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران را به‌دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک شیعه، انقلاب اسلامی، تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد نواجا

m.khanjani10@yahoo.com

rahim.seyed.65@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه صنعتی شاهرود

مقدمه

ماهیت متفاوت انقلاب اسلامی ایران نسبت به دیگر انقلابها باعث ایجاد تأثیرات و بازتابهای متفاوتی در منطقه و نظام بین‌الملل شد؛ زیرا از یک‌سو اسلام سیاسی را در اوج مدرنیته‌شدن جهان بازتعریف می‌کرد و از سوی دیگر، عناصر فکری جدیدی مثل آزادی و استقلال، مردم‌سالاری و استکبارستیزی در ترکیب فکری فرهنگی خود داشت که گفتمان انقلاب اسلامی را در فرایند مدرنیته‌شدن جهان در منظومه معنایی خود قرار داده بود. انقلاب اسلامی ایران در ایجاد، تقویت و اعتمادبه‌نفس مسلمانان؛ اعم از سنی و شیعه، بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آنها نقش داشته است. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های گوناگون و با بیان عقایدی مرتبط با یکدیگر تجلی یافته و نیروی مردمی ناشی از بیداری اسلامی، مرزهای جغرافیایی را درهم نوردیده و از ایدئولوژیهای سیاسی و نظامهای ملی فراتر رفته است. تفسیر انقلابی از آموزه‌ها و مبادی نظری و اعتقادی شیعه توسط امام خمینی(ره)، ایدئولوژی انقلاب را در ایران مهیا کرد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افقهای تازه‌ای به روی شیعیان منطقه گشود و روحیه مبارزه با وضع موجود را به دیگر شیعیان القا کرد و در احیای هویت سیاسی شیعه، مؤثر بود. این طرز تفکر بین شیعیان ایران باعث شد گفتمانی جدید در شیعیان منطقه به وجود آید که با نام ژئوپلیتیک شیعه در منطقه و جهان معرفی شد. ایران به‌عنوان کشوری که از نقش محوری در ژئوپلیتیک شیعه برخوردار است، نیازمند حفظ جایگاه و موقعیت خود در این زمینه است.

پیروزی انقلاب اسلامی با ماهیت اسلام شیعی، تشیع را مهمترین کارگزار در سطح ژئوپلیتیک شیعه و حتی جهان اسلام مطرح کرده است به گونه‌ای که بسیاری از جنبش‌ها، چه سنی و چه شیعی، انقلاب اسلامی ایران را الگوی مبارزه خود قرار داده‌اند. در سطح امنیتی نیز انقلاب ایران این فکر را پیش کشید که راه امنیت در منطقه، عدم دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای و غیرقابل اعتماد بودن آنها برای ملت‌های مستقل است. با توجه به اینکه شیعیان پس از انقلاب اسلامی، هم به‌عنوان عنصر ژئوپلیتیک داخلی و هم به‌عنوان عنصر ژئوپلیتیک خارجی، منافع غرب را در منطقه تهدید می‌کنند، شیعیان یکی از عوامل مهم در تعیین معادلات سیاسی - امنیتی منطقه به‌شمار می‌روند.

امروز جمعیت کره زمین در میان عناصر اجتماعی خاصی به اسم کشور تقسیم شده‌اند و هر کشور، حکومتی دارد و در خانواده بین‌المللی شأنی دارد و با دیگر اعضا شبکه‌ای از روابط را داراست؛ از جمله ویژگیهای این کشورها داشتن سرزمین معین است که حدود آنها با مرزهای سیاسی مشخص می‌شود.

مرزهای سیاسی امروز، محصول حوادث تاریخی متعددی است که طی سالها و قرنهای گذشته اتفاق افتاده است. ویژگیهای حکومت باید از ماهیت آن سرچشمه بگیرد و در این مورد مسئله مرزها مستثنا نیست. امنیت نیازی بنیادین و اساسی است که نبود و کاستی در ابعاد آن، زمینه‌ساز اختلال در تمام شئون فردی و اجتماعی و از مهمترین عوامل اضمحلال دولتها و جوامع انسانی به‌شمار می‌رود (ملک‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۱). امنیت به معنای حفاظت و مراقبت از منابع حیاتی کشور، اولین و مهمترین دغدغه دولتها و حیاتی‌ترین نیاز بشر در زندگی اجتماعی است؛ به گونه‌ای که میزان قدرت و اقتدار هر کشور با میزان توفیق آن در تأمین امنیت شهروندان سنجیده می‌شود. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی، حفظ و مراقبت از منافع ملت ایران در برابر زیاده‌خواهیهای بیگانگان در بیرون مرزها و ایجاد ثبات و امنیت در داخل کشور است. حال این سؤال پیش می‌آید که ژئوپولیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کیفیت امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران چه نقشی دارد.

پیشینه تحقیق

جهان در قرن بیستم، تحولات گسترده و وقایع گوناگون، متضاد، تأثیرگذار و در عین حال خیره‌کننده‌ای را شاهد بوده است. سرعت و ابعاد گسترده این تحولات در قرن بیستم به‌تنهایی با آنچه در قرون پیش بر جهان گذشته، برابری می‌کند. جنگهای جهانی، انقلابها و تعارضات و درگیریهای جوامع، بخش قابل توجهی از تحولات قرن گذشته را به خود اختصاص داده است. برخی از این رخدادها با تمامی اهمیت آنها دامنه اثر محدودی از خود به‌جای نهاده و برخی پویایی جریانات درونی خود را حفظ کرده و گستره کلانی از ساختارها و فرایندهای نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است. وقوع انقلاب اسلامی در کنار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از جمله حوادثی است که تأثیر فوق‌العاده و شگفت‌آوری در ورای مرزها و نظام بین‌الملل بر جای گذاشته است. این تحولات و وقایع، عناصر درونی نظام بین‌الملل را به شکل عمیقی تحت تأثیر قرار داده است. در مقاله‌ای با عنوان «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی» در ارتباط با تأثیر انقلاب اسلامی چنین آمده است: به‌نظر می‌رسد معمای چگونگی گسترش و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و سطح تحلیل بین‌المللی و جستجوی الگوی تبیین مناسب، محقق را بر آن داشت تا بتوان نظریه پخش را در بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی مورد سنجش قرار دهد. او با قالب‌بندی انبوه مواد خام در باب تأثیر انقلاب اسلامی بر دیگر کشورها و مناطق و نه جنبش‌های اخیر در درون این کشورها براساس نظریه پخش، انقلاب اسلامی را مؤثر و کانون تأثیرات می‌داند (برزگر، ۱۳۸۲: ۶۳).

روش تحقیق

پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، و از نظر نوع پژوهش، کاربردی است. شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که از کتابها، مجله‌ها و پایگاه‌های مختلف اینترنتی استفاده شده است.

ادبیات تحقیق

ژئوپلیتیک شیعه

آگوست ریچارد نورتون^۱ در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک شیعه و شکاف میان اهل سنت و تشیع»، اصطلاح ژئوپلیتیک شیعه را به معنای بازیگری و تأثیرگذاری کشورها و گروه‌های معتقد به مذهب شیعه در عرصه سیاست تعریف کرده است (Norton, 2015). آیا کوؤس الحادف در کتاب «ژئوپلیتیک جنگ داخلی در کشورهای شیعه‌نشین»، ژئوپلیتیک شیعه را «تعریف مفهومی و عملیاتی قدرت، سیاست و حکومت از طریق منابع مذهب شیعه و تلاش برای گسترش آن در سطح منطقه و جهان» عنوان کرده است (Alhadeff, 2016).

به باور بسیاری از محققان، ژئوپلیتیک شیعه و هلال شیعی مفهوم واحدی نیست. ژئوپلیتیک شیعه را باید واقعیتی جغرافیایی دانست در حالی که هلال شیعی، ایدئولوژیک و ساخته ذهن غربیان و متحدان منطقه‌ای آنها در غرب آسیا است (ضرغامی و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۱۲).

ایدئولوژی

ایدئولوژی، «مجموعه اندیشه‌ها و عقایدی است که به توجیه منافع گروه‌های غالب کمک می‌کند» (Giddens: 2006 p1020).

ایدئولوژی، «نظامی از اندیشه‌ها است که به ظاهر خردمندانه است؛ اما در واقع، واقعیت‌یابی توهم را وعده می‌دهد (شایگان، ۱۳۸۹: ۲۰۳). تری ایگلتون^۲ در کتاب خود ۱۶ کاربرد کلی و متفاوت واژه ایدئولوژی را بر می‌شمرد. او این کاربردهای شانزده گانه را در قالب شش تعریف کلی و مرتبط به هم خلاصه کرده است. بنابراین، ایگلتون معتقد است واژه ایدئولوژی می‌تواند این معانی را داشته باشد:

فرایند مادی تولید اندیشه‌ها، عقاید و ارزشها در زندگی اجتماعی

1. Augustus Richard Norton
2. Terry Eagleton

اندیشه‌ها و باورهایی که نماد تجربه زندگی یک گروه یا طبقه برجسته اجتماعی است. گسترش و مشروعیت‌بخشی به منافع یک گروه یا طبقه برجسته اجتماعی گسترش و مشروعیت‌بخشی به قدرت اجتماعی مسلط اندیشه‌ها و باورهایی که با ایجاد تحریف به منافع گروه حاکم، مشروعیت می‌بخشد. باورهای نادرست یا فریبنده‌ای که نه از گروه حاکم، بلکه از کلیت ساختار اجتماعی ناشی می‌شود (Eagleton, 1991: 28-30).

مرز خطی اعتباری و قراردادی است که حدود هر واحد سیاسی - فضایی را روی زمین مشخص می‌کند. مرزهای سیاسی، مهمترین عامل تشخیص و جدایی واحدهای سیاسی - فضایی در گستره کشور و فراکشوری است. حکومتها همواره می‌کوشیدند گستره کالبدی قدرت خود را مشخص کنند؛ از این رو، مفهوم مرز برای اثبات حاکمیت و روابط آن با کشورها و حکومت‌های دیگر لازم و ضروری است (شوتار، ۱۳۸۶: ۱۹۰). اکنون مرزها از نشانه‌های جدا کردن حکومت‌های جدید است و با خطوط باریکی دو حکومت را از هم جدا می‌کند و قلمرو رسمی اعمال اراده سیاسی آنها را نشان می‌دهد. امروزه خطوط مرزی ارزش واقعی دارد و حدود آن را کشورهای همسایه و هم‌مرز به‌طور رسمی تعیین، و نشانگذاری می‌کنند. وضعیت خطوط مرزی در پیشینه سازمان ملل متحد نیز ثبت می‌شود؛ از این رو، ارزش بین‌المللی دارد و جامعه بین‌الملل آن را به رسمیت می‌شناسد. تعامل و ارتباط رسمی حکومت‌های مجاور از طریق گذرگاه‌ها و گمرک‌های مرزی تعریف و برقرار می‌شود. افزون بر این قوانین هر کشور بر پایه مرزها و صلاحیتها استوار است. حقوق قانونی و مسئولیتها به‌جایی وابسته است که فرد در آن قرار دارد و قوانین حکومتها، صلاحیت حاکم را در چهارچوب مرزهای مشخص شده هر کشور تعیین می‌کند (حافظنیا و کاویانی فرد، ۱۳۹۳: ۲۶۶).

بنیاد آفرینش بر ناهمگونی نهاده شده است. ناهمگونی خاستگاه پیدایش هویتها، منافع، خواستها و دیدگاه‌های متفاوتی بوده که ابزار وجود هر یک از آنها نیازمند وجود خط جدایی میان آنها و دیگران است که همان مرز نام دارد؛ اینجاست که وجود پدیده‌ای به نام مرز، معنی فلسفی می‌یابد و در سطوح مختلف فردی تا سطوح بالاتر مانند کشور، منطقه و جهان امتداد می‌یابد؛ بر این پایه، امروزه به‌جای اینکه فقط مباحثی درباره تکامل خط مرزی خاص و ویژگیهای کالبدی آن توصیف شود، بیشتر تأثیر مرزها بر الگوهای میان‌کنشی فضایی (جریان کالا، افکار و حرکت مردم)، طرز تلقی مرزنشینان، درجه نفوذپذیری مرزها (مانند نفوذپذیری در یک دوره و نفوذناپذیری در دوره دیگر، نفوذپذیری در برابر

برخی کالاها و افراد و نفوذناپذیری در برابر کالاها و افراد دیگر و غیره) و تأثیر مرزها بر مناطق پیرامونشان مورد توجه جغرافیدانان سیاسی است؛ از این رو، می‌توان گفت با وجود تحولات صورت گرفته سویه‌هایی از مطالعات مرزی کم اهمیت و جنبه‌های دیگر و نوینی مهمتر شده است؛ بر این اساس، جغرافیدانان سیاسی باید بر مطالعه مرزها به عنوان عنصر خاص فضایی / جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی متمرکز شوند که با رشته جغرافیای سیاسی ارتباط نزدیکی دارد. در واقع، گسترش سریع اطلاعات، ارتباطات و مبادلات و جهانی شدن نظام اقتصادی و اقتصادی شدن نظام جهانی و فزونی گرفتن گروه‌بندیهای منطقه‌ای و جهانی سبب شده است جنبش‌های استقلال‌خواهی مبتنی بر هویت ملی و ناحیه‌ای جداگانه نیز با شتاب گسترش یابد (حافظ‌نیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۷۸). این تحول، واکنش طبیعی گروه‌های انسانی برای جدایی از دیگران یا همان باز قلمروبندی در برابر سرعت گرفتن یکپارچگی اقتصادی و اطلاعاتی جهان است؛ زیرا برخی ایدئولوگها همزمان با گسترش فرایند جهانی شدن در سده بیست و یکم و دگرگون شدن عملکرد اقتصادی مرز بر این گمان شدند که «مرز» مفهوم خود را از دست می‌دهد. نظام سوسیالیستی شوروی، که در هوای رسیدن به «جهان بی مرز» ده‌ها سال به دگرگون کردن جغرافیای سیاسی جهان پرداخت، نیز سرانجام به کشاندن مرز میان جمهوریهای خود ناگزیر شد. نتیجه اینکه مرز پدیده‌ای طبیعی و ماندنی است. تا هنگامی که انگیزه‌هایی چون «هویت ملی»، «منافع ملی»، «امنیت ملی» و «استقلال ملی» باشد، مرزها برقرار و بر سرنوشت سیاسی انسانها حاکم خواهند بود. به هر روی، مرز همچنان توانسته است جایگاه خود را در مطالعات جغرافیای سیاسی حفظ کند. اهمیت و جایگاه مرز به شکل گوناگون سبب شده است که مرزها از جمله موضوعات مهم در جغرافیای سیاسی بماند و مطالعات زیادی در این رشته علمی درباره آن انجام شده است که از آن میان، می‌توان به مطالعه در زمینه مرز به فلسفه وجودی، سیر تحولات مرزها، تقسیم‌بندی و مفاهیم مرتبط با آنها و کارکرد مرزها در ایجاد کشمکش و آرامش میان کشورها اشاره کرد. امروزه مرزها از نظر مفهومی و کارکردی دچار تحول شده است به گونه‌ای که افزون بر مرزهای کلاسیک یعنی زمینی، هوایی و دریایی که کمابیش شرح آنها رفت، مرزهای نوینی همچون مرزهای هویتی، ذهنی، الکترونیکی، فضای مجازی، باز، بسته، همگراساز، واگراساز، توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته پدید آمده است (حافظ‌نیا و کاویانی‌فرد، ۱۳۹۳: ۲۶۸).

مقاومت ژئوپلیتیک جهان اسلام به جنبش‌های کنونی مربوط است که از سال ۲۰۱۰ میلادی در محدوده‌ای از خلیج فارس تا شمال آفریقا در کشورهایی همچون تونس، مصر، لیبی، یمن و... رخ داده

است. عوامل مختلفی در وقوع مقاومت در این دوره دخیل است که با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی به طور مختصر در ذیل به آن پرداخته می‌شود:

اول. وجود حکومت‌های وابسته به غرب و امریکا. یکی از مسائلی که باعث نارضایتی مردم از حکومت‌های موجود در سرزمین‌های عربی شده و هویت و عزت اسلامی آنها را خدشه‌دار کرده، وابستگی حکومت‌های آنها به غرب و بویژه امریکا است؛ رابطه‌ای که با در نظر گرفتن منافع رژیم صهیونیستی همراه بوده است.

دوم. بی‌توجهی به مسئله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی. فلسطین بخش مهمی از عزت و هویت مسلمین را تشکیل می‌دهد؛ لذا بی‌توجهی به این مسئله از سوی رهبران عربی نیز یکی دیگر از عوامل اصلی وقوع نارضایتی و نهایتاً قیام علیه حکومت‌های این مناطق بوده است.

سوم. وجود حکومت‌های سکولار. یکی دیگر از دلایل قیام‌های اخیر در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا وجود حکومت‌های سکولار است؛ لذا در پاسخ به سیاست‌های دین‌ستیزانه حکومت‌های عربی، قشرها و گروه‌های مسلمان به قیام علیه این حکومت‌ها مبادرت کردند. مؤید این امر استفاده از شعارهای اسلامی در جریان قیام‌ها، تأکید بر اصول و ارزش‌های اسلامی مانند حجاب پس از سقوط حکومت‌های سکولار و استقبال‌های اسلامگرا است. در واقع پیام اصلی این قیام‌ها از احزاب و گروه‌ها، که مقام معظم رهبری فرموده‌اند، چیزی جز «برافراشتن پرچم اسلام نبوده که عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم است» (مسعودنیا و خانی، ۱۳۸۵: ۲۹ - ۲۱).

بنابراین با وقوع قیام‌های سال ۲۰۱۱ در ژئوپولیتیک شیعه شاهد حرکت به سمت عظمت و شکوه دوباره این منطقه هستیم که البته این قیام‌ها و جنبش‌ها در این مسیر با آسیب‌های مختلفی روبه‌رو بوده و هست که عدم غلبه بر این آسیب‌ها بویژه آسیب‌های خارجی مانند روی کار آمدن عناصر متعهد به غرب و امریکا، ارائه جان‌نشین‌های حکومتی انحرافی از سوی کشورهای خارجی، ایجاد ناامنی داخلی، تهاجم تبلیغاتی و رسانه‌ای مانند جلوه‌دادن انقلاب‌های مردمی به نام انقلاب امریکایی دموکراسی‌خواه و نادیده گرفتن فریاد اسلامی ملت‌ها (مسعودنیا و خانی، ۱۳۸۵: ۳۳ - ۴۳) می‌تواند به احیای دوباره عظمت و اقتدار اسلامی در این منطقه خلل وارد سازد.

سیاست دفاعی در جمهوری اسلامی ایران

رهنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی ارزش‌محور به توان و قدرت دفاع «همه‌جانبه مردمی» سازماندهی شده است. مبانی این رهنامه «اندیشه و باورهای اعتقادی و دینی»، «تدابیر و

رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا»، «روح استقلال، خودباوری و خوداتکایی»، «فناوریهای نوین»، «شرایط اقلیمی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور»، «تجربیات دفاع مقدس»، «تجربیات جهان»، «افکار و نظریه‌های نخبگان دفاعی و امنیتی» و تصویری از جنگ آینده است. اصول اساسی آن، «حفظ ارزشهای افکار انقلاب اسلامی»، «جلوگیری از هر گونه جنگ و درگیری مسلحانه» و «آمادگی کشور برای دفاع از خود و استفاده از نیروی مسلح برای دفاع از منافع حیاتی» تعیین شده است (مینایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

گفتمان انقلاب اسلامی و غیریت‌سازی دشمنان برای آن

انقلاب اسلامی ایران به شکل‌گیری و عمومیت یافتن گفتمانی در ایران منجر شد که ویژگی خاص خود را دارد. گفتمان انقلاب اسلامی، که به‌نوعی تداوم حرکت پیامبران و به آموزه‌های آسمانی متصل است از ریشه و اساس با گفتمانهای رقیب خود مانند سوسیالیسم، کاپیتالیسم و صهیونیسم، تفاوت دارد. دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی در شعارهایی نهفته است که مردم در فروردین سال ۱۳۵۷ مطرح کردند. مردم در آن زمان خواستار بازگشت به اسلام و حاکمیت مردم بودند؛ به‌عبارت دیگر مسئله استقلال، آزادی و جمهوریت را مطرح می‌کردند که بزرگان انقلاب هم تبلور این خواسته را براساس این آیه شریفه ذکر می‌کردند که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (جهان بزرگی ۱۳۸۸: ۲۸).

ویژگی اصلی گفتمان انقلاب اسلامی برآمده از رهنمودهای امام خمینی (ره) را باید در پذیرش حکومت اسلامی والایی دانست که همه جهت‌گیریهای فکری و ذهنی و کنشها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن به هدفی والا و مقدس (و نه مادیگرایانه و قدرت محور) یعنی حکومت اسلامی معطوف است؛ یعنی نوعی اسلام سیاسی که در جهان اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار، و در پی آن، عرصه جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ لذا اهمیت‌یابی اسلام سیاسی، که بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از محورهای اصلی گفتمان انقلاب اسلامی معرفی کرده‌اند از آنجا نشأت می‌گیرد که جهان اسلام، اسلام سیاسی را پدیده‌ای بومی می‌نگرد و آن را بازگشت به هویت گذشته اسلامی خویش تلقی می‌کند با این تفاوت که حضرت امام با رد اسلام متحجرانه و ارتجاعی برای پویایی این گفتمان و از باب باز بودن باب اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن و مبانی اجتهاد شیعی با رد ادعای گذر از فقه سنتی و تأسیس فقه پویا، لزوم تمسک به شیوه اجتهاد سنتی را ضمن توجه به مقتضیات زمان و مکان مطرح کردند. ایشان در این مقوله برآوردند که در حکومت اسلامی، همیشه باید باب اجتهاد باز

باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظریات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف عرضه شود (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۴۱)؛ همین امر سبب شد که آرای سیاسی حضرت امام خمینی (ره) حتی در عرصه‌های بین‌المللی نیز تأثیرات عمیقی دربرداشته باشد و این تحت تأثیر شعار محوری نهضت اسلامی ایران یعنی استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود به گونه‌ای که این ابعاد سه گانه، چه در سطوح فردی یا جمعی در لایه‌های فرو ملی و فرا ملی مطرح، و این گفتمان همانند جریان آزاد سیالات براساس این قاعده وارد عرصه روابط بین‌الملل و معادلات قدرت جهانی که اندیشه، مرز نمی‌شناسد شد؛ از همین رو دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام است (قاسمی، ۱۳۹۶).

سطوح تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در محور مقاومت

از مهمترین اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی ایران، گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستمدیدگان و مظلومان و نفی استکبار است. در این زمینه حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران جهان بسیار اساسی، و مورد توجه اساسی رهبر انقلاب اسلامی است به طوری که ایشان چند ماه بعد از به‌ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح کردند. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز درباره حمایت از مستضعفان آمده است: «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

در واقع انقلاب اسلامی ایران حمایت از تمام مستضعفان و مسلمانان و رهایی آنان از دست استکبار را در سرلوحه کار خود قرار داده و درصدد است آن چیزی را که در ایران یعنی رهایی از سیطره قدرتهای استکباری واقع شد به دیگر کشورها انتقال دهد و صادر کند. امام خمینی (ره) در این باره فرموده‌اند: «ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرتها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملتها و در همه دولتها بشود. معنی صدور انقلاب ما این است که همه ملتها بیدار بشوند و همه دولتها بیدار بشوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودن که هستند... نجات بدهند. معنای صدور انقلاب این است که معنویت موجود در ایران را گسترش دهیم (آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳: ۴۱۷-۴۱۵).

نظام سیاسی ایران با ویژگی منحصر به فردی از ظرفیت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون برخوردار بوده است که در اینجا به سه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره می‌شود:

نخست. محیط داخلی: در سطح محیط داخلی از جمله تأثیرات، برقراری وحدت، اعتماد ملی، و توسعه دانایی محور است که نواندیشی دینی، جنبش نرم‌افزاری با ویژگیهای جرأت علمی، نفی تقلیدپذیری، رعایت ارزشهای دینی و... را تشویق می‌کند.

دوم. محیط منطقه‌ای: در سطح منطقه‌ای یعنی منطقه شیعه‌نشین و اسلامی این تأثیرات، بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان، ارتقای بیداری اسلامی و تأکید بر وحدت جهان اسلام است. این امر موجب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی شد؛ احیای هویت جهان اسلام با شاخصهایی همچون حمایت از مستضعفان، حق‌گرایی، نفی گرایشهای غرب، محوریت ایران در ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم با اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (ره).

سوم. محیط بین‌المللی: در سطح بین‌المللی این تأثیرات، به چالش کشیدن سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات رهایی‌بخش و استکبارستیز، اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام به‌عنوان شیوه زندگی است؛ گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل از طریق حمایت از حرکت‌های استقلال‌طلبانه و تشویق ملت‌ها به معنویت، پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی با شاخصهایی همچون تأکید بر معنویت، وحدت اسلامی، فرهنگ استقلالی و بومی و غیره (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۳۶ - ۱۱۲).

درباره محیط منطقه‌ای یعنی محیط جغرافیایی شیعیان باید گفت از نظر جغرافیایی پس از ایران بیشترین شیعیان در کشورهای زندگی می‌کنند که عمدتاً در اطراف ایران هستند و بیشتر آنها با ایران پیوستگی جغرافیایی دارند. عراق، بحرین، آذربایجان، عربستان، ترکیه، پاکستان، افغانستان، امارات، کویت، قطر و عمان از جمله این کشورها به‌شمار می‌آیند. علاوه بر اینها کشورهای هستند که جمعیت قابل ملاحظه‌ای از شیعیان در آنها زندگی می‌کنند؛ اما در پیوستگی بلافصل ایران قرار ندارند. این گروه از کشورها نیز از این نظر که همگی در قاره آسیا واقعند باهم وجه اشتراک دارند. لبنان، یمن، سوریه، هند، تاجیکستان و ازبکستان از جمله این کشورها هستند. به این مناطق شیعه‌نشین باید شیعیان پراکنده در دیگر نقاط جهان را نیز اضافه کرد؛ شیعیانی که در خارج از قاره آسیا و عمدتاً در آفریقا، اروپا و امریکا زندگی می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۸).

درباره جنبش‌ها و انقلاب‌های اخیر در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باید گفت ایران تنها در ژئوپلیتیک شیعه (بحرین و یمن) تأثیرگذار نبوده بلکه در ژئوپلیتیک اسلام نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌عنوان نمونه سامی البراهه، استاد جامعه تونس در این زمینه ضمن اینکه معتقد است

در جریان انقلاب تونس، مسلمانان شعارهایی می‌دادند که بر اسلامیت و تعقیب اهداف اسلامی منطبق بود در ادامه نیز این حرکت را ملهم از انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. از نظر وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حرکت مردم تونس به عشق امام رحمت‌الله علیه آغاز شد (البراهه، ۲۰۱۱). هم‌چنین متفکران عربی شرکت‌کننده در بیست و چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی در سخنان خود تأکید کردند که حرکت میلیونی مردم در جهان اسلام، انعکاس پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) است که بعد از گذشت بیش از سی سال، اکنون بروز کرده است (همایش ژئوپلیتیک شیعه، اخبار شیعیان، ش ۸۴ و ۸۵، آبان و آذرماه ۱۳۸۹: ۱۷ - ۱۵).

بحران سوریه و نقش مؤثر جمهوری اسلامی ایران در این کشور برای ناکام گذاشتن طرح‌های ضد دولتی در سوریه نیز دوباره زمینه طرح هلال شیعی و مقابله با آن را فراهم کرد؛ به‌عنوان نمونه از نظر روزنامه نیویورک تایمز، بحران سوریه مرحله سرنوشت‌سازی از مراحل تقابل ائتلافی سنی و ائتلافی شیعی است و برنده این میدان، جایزه راهبردی و با ارزشی را به‌دست خواهد آورد (شیعه نیوز، ۱۳۹۱/۸/۹). در این زمینه مفتی وهابی عرعور، حامی تروریست‌های سوریه در یک سخنرانی در شهر الجبیل به شیعه، ایران و حزب‌الله حمله، و اعلام کرد که پادشاه اردن، ملک عبدالله ثانی در حدود هشت سال پیش و در یک گفتگو با روزنامه واشنگتن‌پست از تشکیل هلال شیعی گفت و اینکه نباید اجازه دهیم توطئه تشکیل هلال شیعی به سرانجام برسد (شیعه نیوز، ۱۳۹۲/۵/۱۵). وهابیون عربستان برای توجیه حمایت‌های خود از گروه‌های تروریستی و افراطی سوریه و لبنان همواره این بهانه را مطرح می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد «هلال شیعی» در منطقه است و عربستان نیز به‌عنوان مدافع حقوق مسلمانان اهل تسنن با تجهیز گروه‌های ضد شیعی در پی مقابله با تشکیل این هلال است (شیعه نیوز، ۱۳۹۲/۱۱/۱۳).

ژئوپلیتیک شیعه مفهومی خاص برای سازه انسانی و جامعه مذهبی است که از هویت مذهبی شیعه در جهان برخوردار است و به مفهوم تقلای سازه انسانی بازساخت هویت، انسجام و منزلت‌یابی در سامانه دینی/ مذهبی، شیعه در جهان برای قلمروسازی و نظام قدرت در مقیاس‌های جهانی و منطقه‌ای است. سازه شیعی جهان با الهام از موقعیت رهبری ایران در سازه، توانسته است فرصت‌های خوبی را در این ابعاد به‌دست آورد که البته به حساس شدن سازه‌های رقیب و واکنش تند آنها نسبت به سازه شیعه نیز انجامیده است. به‌نظر می‌رسد سازه شیعه تا دستیابی به منزلت طبیعی خود در غرب و جنوب غرب آسیا به تقلای سیاسی خود ادامه دهد (حافظ‌نیا، ۲۰۱۵: ۹).

چنین به نظر می‌رسد که مفهوم ژئوپلیتیک شیعه از نظر حافظ‌نیا، مفهومی ترکیبی است که علاوه بر زمینه‌های جغرافیایی چون تلاش برای قلمروسازی و انسجام در حال قدریابی است و این مهم از طریق موقعیت رهبری ایران در جهان محقق شده است. از این دیدگاه ویژه، این اصطلاح می‌تواند در کنار دیگر اصطلاحات قرار گیرد که بر دیگر سازه‌های انسانی و مذهبی جهان اطلاق می‌شود؛ نظیر ژئوپلیتیک سنی، ژئوپلیتیک کاتولیک، ژئوپلیتیک یهود، ژئوپلیتیک هندو، ژئوپلیتیک فرانکفونی و غیر آن، که وی از آنها تحت عنوان ژئوپلیتیک سازه‌های انسانی (مذهبی، نژادی، فرهنگی، قومی، سیاسی، طبقاتی، فضایی / مکانی، و غیره) یاد می‌کند (احمدی، ۱۳۹۷: ۵۸ - ۸۱).

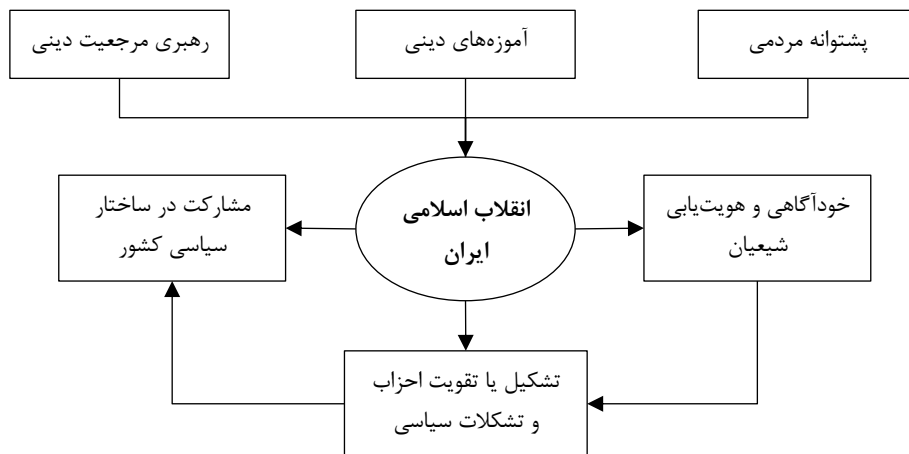
نکات مهم در الگوی ژئوپلیتیک شیعه

۱. در این الگو نقطه آغاز موج سیاسی شدن معاصر با هویت دینی و مذهبی در جهان، سیاسی شدن شیعه است. این مسئله یکی از نقش‌های ژئوپلیتیکی است که شیعه ایفا کرده است.
۲. شیعه هم‌چنین هدف اتحاد مسلمانان را در جهت نجات از سیاست سلطه جهانی دنبال کرده است. تلاش برای اثرگذاری بیشتر و گسترش حوزه نفوذ کانون قلمروهای شیعی یعنی ایران نیز کاملاً طبیعی و پذیرفته شده در روابط بین‌الملل و به‌عنوان راهبردی کاربردی در راستای اتحاد و عزت مسلمانان و نجات آنان از سلطه جهانی عمل کرده است.
۳. طبق این تعریف، ژئوپلیتیک شیعه در مقابل ژئوپلیتیک سنی قرار نمی‌گیرد. مفاهیم اصیل ژئوپلیتیک فرهنگی انقلاب اسلامی ناظر بر وحدت اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلامی است نه برتری شیعه بر جهان اسلام. براساس این تعریف، همه شیعیان بلکه کل جهان اسلام به‌حرکت واحدی در مقابله با استکبار جهانی فراخوانده می‌شوند.
۴. براساس این الگو، سیاسی شدن شیعه در دنیا و برخورداری تشیع از موقعیت ژئوپلیتیک در چارچوب انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگترین رخداد‌های نیمه دوم قرن بیستم معنا پیدا کرد. البته انقلاب ایران، انقلاب شیعی صرف نبود و دغدغه تمام مسلمانان و مستضعفان و آزادیخواهان جهان را داشت؛ ولی به‌طور طبیعی قلمروهای شیعی بیشتر تحت تأثیر آن قرار گرفتند و نسبت به آن واکنش نشان دادند.
۵. با توجه به این تعریف جدید، ژئوپلیتیک شیعه نه به‌معنای امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در خارج از ایران است، نه معادل اصطلاح تخیلی و غیرعلمی هلال شیعی و نه محدود در دوره تاریخی خاص. ژئوپلیتیک شیعه مفهومی است علمی با ابعاد و جنبه‌های مشخص که پس از انقلاب اسلامی در

نقش ژئوپلیتیک شیعه با گسترش ایدئولوژی انقلاب اسلامی در کیفیت امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران

ایران و تحت تأثیر آن در منطقه غرب آسیا شکل گرفته است. بنابراین شکل‌گیری ژئوپلیتیک شیعه، ارادی و اختیاری نیست که به خواست ایران یا به ادعای دشمنان آن متولد شود؛ بلکه واقعیتی علمی و طبیعی است و باید با این نگاه به آن نگریسته شود (احمدی، ۱۳۹۷: ۸۱-۵۸).

ژئوپلیتیک شیعه پس از شکل‌گیری، سه مرحله تکاملی را سپری کرده است: مرحله اول هویت‌یابی و خودآگاهی شیعیان با پیروزی انقلاب اسلامی است که هویت دینی داشت و براساس آموزه‌های اسلام شیعی بود و رهبری آن را یک عالم دینی یعنی امام خمینی(ره) بر عهده داشت. در این مرحله بتدریج روحیه خودباوری و اعتمادبه‌نفس شیعیان، که رو به خاموشی می‌رفت، تقویت شد؛ به عبارتی دیگر، انقلاب ایران در این مقطع زمانی موجب شهرت شیعه در جهان شد. مرحله دوم شکل‌گیری تشکلهای سیاسی براساس بیداری اسلامی ناشی از انقلاب ایران بود که با ارتقای سطح آگاهی و هویتی مسلمانان، تعداد قابل توجهی از احزاب و تشکلهای سیاسی در کشورهای منطقه، هم در میان جوامع شیعی مثل عراق، لبنان، بحرین و هم در جوامع غیرشیعی مثل فلسطین به وجود آمدند و یا تقویت شدند. مرحله سوم نیز نقش‌آفرینی شیعیان در ساختار سیاسی کشورها است که با ارتقای سطح فکری و تشکیلاتی شدن شیعیان منطقه رخ داد. آنان بتدریج توانستند در مسیر تکامل سیاسی گام بردارند و در ساختار سیاسی حکومتها نقش‌آفرینی کنند. این مراحل نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان و بویژه شیعیان در اثر انقلاب اسلامی از روحیه انقلابی مردم ایران الهام گرفتند و با خودباوری و کشف هویت نیرومند خود در میدان سیاسی حرکت کردند (احمدی، ۱۳۹۷: ۵۸-۸۱).



الگوی سیر تکاملی ژئوپلیتیک شیعه (احمدی، ۱۳۹۷: ۵۸-۸۱)

ژئوپلیتیک شیعه، تلفیق ظرفیتهای جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین با آرمانها و آموزه‌های فرهنگ سیاسی تشیع است که توانست آن را در مسیر قدرت‌یابی قرار دهد و به برقراری مناسبات و تعاملات مرکز پیرامون در قالب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ایران به‌عنوان کانون قلمروهای شیعی و اقلیتهای شیعی پیرامون ایران پس از انقلاب اسلامی منجر شود. براساس این تعریف، خلق مفهوم ژئوپلیتیک شیعه محصول رخدادهای تحول بزرگی به نام انقلاب اسلامی در کانون جغرافیایی قلمروهای شیعی یعنی ایران است. با این دگرگونی کم‌نظیر، که به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران، مهم‌ترین رخداد نیمه دوم قرن بیستم بود، تشیع در کشور بزرگی مثل ایران به قدرت سیاسی دست یافت. پس از آن، ایران با ماهیت انقلابی و شیعی، نقش آفرینی خود را در عرصه بین‌المللی و عمدتاً در تقابل با قدرتهای بزرگ آغاز کرد. پشتوانه معارف غنی اسلام و تشیع، که نظام اعتقادی عمیق رهبران و نیروهای انقلاب را شکل داده بود، قدرت مقاومت ایران را در مقابل ناملایمات بین‌المللی افزایش داد. علاوه بر آن در کنار این رخداد سیاسی مهم، موهبت‌های خدادادی نظیر موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی در منطقه سرشار از انرژی خلیج فارس و نیز وجود اقلیتهای شیعی در پیرامون، ایران را به بازیگری مهم در عرصه منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد. مجموعه این اتفاقات در کنار تحولاتی که البته اهمیت کمتری نسبت به انقلاب اسلامی داشت، مثل جنگ‌های داخلی لبنان، دست به‌دست هم داد و به مذهب شیعه ماهیت ژئوپلیتیک بخشید. بهره‌مندی از ماهیت ژئوپلیتیک برای یک مذهب به این صورت رخ می‌دهد که کانون نقش آفرینی جدید داخلی و بین‌المللی خود را آغاز می‌کند. اقلیتهای فضایی پیرامون تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و به‌سوی سیاسی شدن و تشکیلاتی شدن حرکت می‌کنند. تعاملات و مناسبات مرکز - پیرامون بین اقلیتهای و مرکز جغرافیایی آن مذهب تشدید می‌شود؛ به این ترتیب حوزه نفوذ مرکز در مناطق پیرامونی گسترش پیدا می‌کند؛ به عبارتی دیگر، مرکز مکمل‌های فضایی اطراف را، که از نظر مذهبی با او احساس سنخیت و اشتراک می‌کند، جزء تعلقات ژئوپلیتیک خود به‌شمار می‌آورد و نسبت به مسائل آنها حساسیت نشان می‌دهد. طبق این الگو ایران نیز به‌عنوان کانون جوامع شیعی در جهان، پس از انقلاب اسلامی نقش آفرینی منطقه‌ای و جهانی خود را در این زمینه شروع کرد. فعالیتهای مختلف آموزشی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای و... در خارج از مرزها، حاکی از عملکرد بین‌المللی ایران بعد از انقلاب است. اقلیتهای شیعه نیز از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفتند و با خود آگاهی و هویت‌یابی، احزاب و تشکلهای متعددی را در کشورهایشان تأسیس کردند؛ به‌دیگر سخن، فضاهاى اطراف ایران نیز در قالب لایه‌های پیرامون و نیمه پیرامون از تحولات این کانون تأثیر پذیرفتند و عمدتاً به سمت فعالیت و مشارکت

سیاسی و قدرت‌یابی حرکت کردند (Esposito: 1999: 105) مناسبات بین این اقلیتها و ایران هم به میزان زیادی افزایش یافت. این مناسبات در شکل پذیرش دانشجو، گسترش رفت‌وآمدها، افزایش گردشگران زیارتی، راه‌اندازی نمایندگیهای فرهنگی و... قابل مشاهده است. این نمونه‌ها نشانه حضور و نقش آفرینی قابل توجه ایران در ماورای مرزهای ملیش است.

حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان گروهی شیعی است که از درون جنبش امل متولد شد. جنبش امل سازمانی بود که امام موسی صدر در ۱۹۷۵م. / ۱۳۵۴ ش. آن را بنیان نهاده بود. هدف او از ایجاد آن، بیش از هر چیز حفظ امنیت و تضمین موجودیت شیعیان بود. امل خواهان مقابله با رژیم صهیونیستی بود ولی از اینکه شیعیان در جنگ میان فلسطینی‌ها و رژیم صهیونیستی قربانی شوند، پرهیز می‌کرد. امل و شیعیان هوادار موسی صدر در وهله اول به موجودیت خود می‌اندیشیدند و دوست و دشمن خود را با توجه به معادلات سیاسی در منطقه و در لبنان برمی‌گزیدند. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این جنبش گسترش بیشتری یافت و از سال ۱۹۸۲م به یکی از بازیگران عمده سیاسی در لبنان تبدیل شد. پس از اجرای توافق طائف^۱ در سال ۱۹۹۰م جنبش امل به جریان حاکم سیاسی جدید پیوست و اعضای آن صاحب مناصب سیاسی مهمی در کشور شدند؛ اما بتدریج برخی اختلاف نظرها در درون آن موجب انشعاب در امل شد به گونه‌ای که سیدعباس موسوی، یکی از اعضای آن، نبیه بری، جانشین امام موسی صدر را به دلیل مواضع محافظه‌کارانه‌اش مورد انتقاد قرار می‌داد. این اختلاف نظرها به انشعاب انجامید و سیدعباس موسوی با جمعی از همفکران خود گروه جدیدی را به نام "امل اسلامی" پایه‌گذاری کرد. جنبش امل اسلامی رقیب جنبش امل نیست، بلکه می‌کوشد اصالت حقیقی امل را حفظ کند. امل اسلامی بعدها به حزب‌الله پیوست (فوزی و هاشمی، ۱۳۹۴: ۳۳۸). جمعی از نیروهای شیعی که بیشتر روحانیون تحصیل کرده در قم یا نجف بودند بتدریج با تأثیرپذیری از اندیشه‌های امام خمینی و با متهم کردن امل به محافظه‌کاری به تشکیل حزب‌الله اقدام کردند. فعالیت حزب‌الله در قالبی سازمان‌یافته به زمان دخالت‌های نظامی رژیم صهیونیستی و آشفتگی‌های داخلی لبنان در اوایل دهه ۱۹۸۰م باز می‌گردد. در واقع تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲م را می‌توان عامل مستقیم پیدایش جنبش حزب‌الله لبنان دانست (عظیمی‌دولت‌آبادی و سیف، ۱۳۹۶).

۱. این پیمان با میانجیگری عربستان در شهر طائف و درباره بحران داخلی لبنان و به‌منظور بازنگری در میثاق ملی لبنان و ایجاد توازن میان قدرت مذاهب و طوایف در این کشور منعقد شد (مرکز الاستشارات و البحوث، ۱۳۸۸: ۴۶).

حوثی‌های یمن

جمهوری یمن کنونی پس از اتحاد یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰م به وجود آمد و پایتخت آن، شهر صنعاست. یمن، کشوری عربی در جنوب غربی آسیا و در جنوب شبه‌جزیره عربستان است. جمعیت آن در سال ۲۰۱۴م در حدود ۲۶ میلیون نفر بود که از این تعداد ۹۹/۱٪ مسلمان (حدود ۶۵٪ سنی و ۳۵٪ شیعه) و ۰/۹٪ از دیگر ادیان و مذاهب هستند (موسوی و باقری‌فر، ۱۳۹۴: ۲۱۱). از نظر فرهنگی یکی از افتخارات یمنیان این است که خود را تنها کشوری می‌دانند که بدون جنگ و خونریزی و با رسیدن حضرت علی(ع) به‌عنوان فرستاده ویژه پیامبر (ص) به یمن به‌اسلام گرویدند (عظیمی‌دولت‌آبادی و سیف، ۱۳۹۶). در مجموع تمام مردم یمن از علاقه‌مندان به اهل بیت پیامبر(ص) به‌شمار می‌آیند. تشیع در یمن با تشیع زیدی شناخته می‌شود و مذهبهای «زیدیه»، «امامیه» و «اسماعیلیه» مهمترین شاخه‌های مذهب تشیع به‌شمار می‌آیند. یمن یکی از پایگاه‌های اصلی مذهب زیدیه است (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۴۶). مقدمه خیزش جنبش انصارالله در یمن، تأکید بر هویت فرقه زیدیه بوده است. در حال حاضر جنبش انصارالله یمن، نوعی بازاندیشی در باب هویت مذهب زیدیه است که طلایه‌دار این بازاندیشی علامه بدرالدین الحوثی است. وی پدر حسین الحوثی - رهبر سابق انصارالله و هم‌چنین پدر عبدالملک الحوثی - رهبر جوان و فعلی انصارالله است (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴: ۱۵۶)؛ به‌عبارتی دیگر، حوثی‌های یمن گروهی از شیعیان زیدی این کشور هستند و محل اصلی فعالیت آنان صعده است. آنان حکومت یمن را حکومتی وابسته به غرب می‌دانند و از سال ۲۰۰۳م به مخالفت با حکومت یمن دست زده‌اند. شعار اصلی آنان «مرگ بر امریکا»، «مرگ بر اسرائیل»، «نفرین بر یهود» و «پیروز باد اسلام» است. این شعارها را نخستین بار حسین الحوثی بر زبان آورد که البته ملهم از انقلاب اسلامی ایران است (موسوی و باقری‌فر، ۱۳۹۴: ۲۱۴). حوثی‌ها خود را مدافع جامعه شیعیان زیدی می‌دانند که تحت حملات شدید هستند و در خطر نابودی فرهنگی قرار دارند. از نظر آنها اتحاد میان دولت یمن و سلفی‌ها تهدیدی بزرگ برای شیعیان و سنتشان است. در واقع نیروهای حوثی بازوی مسلح شیعیان یمن هستند که در برابر تهاجمات دولت مرکزی از آنها دفاع می‌کنند (فوزی، ۱۳۹۱: ۲۵).

نتیجه‌گیری

هر جامعه‌ای در بقای خود نیازمند به شخص یا مقامی است که شعور و اراده وی، فوق شعورها و اراده‌های افراد حکومت کرده باشد؛ شعور و اراده دیگران را کنترل کند و به نگرهبانی و نگهداری

نظامی پردازد که در جامعه گسترده شده است. نقش امام خمینی(ره) به رهبری شخصی او محدود نمی‌شد. او هم‌چنین مبدع نظریه سیاسی برای جنبش اسلام سیاسی بود. روحانیت شیعه با رهبری امام خمینی(ره) از طریق ارائه ایدئولوژی دینی توده‌گرا، که برای مردم پناه‌گاهی مطمئن بود، توانست رهبری جنبش را به‌دست بگیرد. مداخله روحانیت در سیاست براساس این عقیده توجیه می‌شود که آموزه‌های اسلام نظام اعتقادی فراگیری است که همه وجوه زندگی را فرا می‌گیرد. تفسیر انقلابی از آموزه‌ها و مبانی نظری و اعتقادی شیعه توسط امام خمینی(ره)، ایدئولوژی انقلاب را در ایران فراهم کرد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و تحقق عینی حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای به‌روی شیعیان منطقه گشود و روحیه مبارزه با وضع موجود را به دیگر شیعیان القا کرد و در احیای هویت سیاسی شیعه مؤثر بود.

از این‌رو، موفقیت اسلام شیعی در ایفای نقش ایدئولوژی انقلاب در ایران، تشیع را مهمترین کارگزار در سطح ژئوپولیتیک شیعه و حتی جهان اسلام مطرح کرده است. با قدرت گرفتن ایران در منطقه و به‌قدرت رسیدن اکثریت شیعی در عراق و هم‌چنین رشد روزافزون محبوبیت «حزب‌الله» لبنان در میان ملتها و قدرت‌نمایی شیعیان در بعضی از کشورهای منطقه از جمله یمن، دیگر نمی‌توان قدرت و حقوق شیعیان را نادیده گرفت و از این پس شیعیان یکی از شاخص‌های مهم ساختار منطقه‌ای در تعیین معادلات سیاسی و امنیتی منطقه خواهند بود.

توسعه ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایران چشم‌اندازی را پدید آورد که از دریچه آن می‌توان به انقلاب ایران نگریست. الگوبرداری از انقلاب ایران در موج بیداری اسلامی در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باعث شکل‌گیری جریان‌هایی شد که بر ایدئولوژی شکل گرفته در ایران منطبق بود. قدرت گرفتن این جریانات از لحاظ سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی براساس ایدئولوژی اسلامی در منطقه جغرافیایی از پیش گفته شده، ژئوپولیتیک شیعه را در این منطقه گسترده‌تر کرد. حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن از جمله جریان‌های سیاسی منطقه هستند که براساس ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران شکل گرفتند و بالطبع دشمنان این ایدئولوژی نیز مشترک هستند و اتحادی که دشمنان ایران دارد با دشمنان جریانات سیاسی و شیعه منطقه غرب آسیا یکسان هستند. جریان‌های سیاسی گفته شده در منطقه غرب آسیا بازوان توانمند ایدئولوژی انقلاب اسلامی در مؤلفه‌های سیاسی و نظامی هستند که توانسته است دشمنان ایران را در آن سوی مرزهای ایران و در کرانه سواحل دریای مدیترانه و از سوی دیگر تا تنگه باب‌المندب تحقیر کند. ایدئولوژی انقلاب اسلامی منافع ایران را در کیلومترها

دورتر فراهم می‌کند. اگرچه حراست از مرزهای جغرافیایی نقشه هر کشور امنیت را برای آن فراهم می‌سازد و ایران در جنگ تحمیلی نشان داد که می‌تواند از مرزهای جغرافیایی خود دفاع کند، مبارزه با دشمنی مشترک در آن سوی مرزهای ترسیمی روی نقشه می‌تواند امنیت مرزهای ایران اسلامی را افزایش دهد. نتیجه اینکه گسترش ایدئولوژی ایران اسلامی در منطقه ژئوپلیتیک شیعه باعث ارتقای امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران شده است. انتقال کنش متقابل بین ایدئولوژی انقلاب اسلامی با دیگر ایدئولوژیها در خارج از حدود مرزهای سیاسی امنیت مرزهای جمهوری اسلامی ایران را در بر داشته است.

کتابنامه:

الف) منابع فارسی

۱. امام خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۶۹). شئون و اختیارات ولایت فقیه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. احمدی، سیدعباس (۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئوپولیتیک شیعه. فصلنامه ژئوپولیتیک. س ۱۴. بهار. ش ۱: ۵۸ - ۸۱.
۳. آیین انقلاب اسلامی (گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی (ره)) (۱۳۷۳). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. پژوهش حقوق. بهار. ش ۸: ۳۴ - ۷۲.
۵. حافظنیا، محمدرضا؛ کاویانی‌فرد، مراد (۱۳۹۳). فلسفه جغرافیای سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. حافظنیا، محمدرضا؛ جان‌پرور، محسن (۱۳۹۲). مرزها و جهانی شدن. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. حافظنیا، محمدرضا (۲۰۱۵). مصاحبه با فصلنامه جنگ فرانسه.
۸. جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸). تحلیل گفتمانی نظریه انقلاب اسلامی. زمانه. ش ۸۴ و ۸۵: ۱۵ - ۴.
- ۹.
۱۰. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، علمی و فرهنگی.
۱۱. شایگان، داریوش (۱۳۸۹). آمیزش افق‌ها، گزینش و تدوین منصور هاشمی. تهران: نشر فروزان.
۱۲. شوتار، سوفی (۱۳۸۶). شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی. ترجمه سیدحامد رضیعی. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. ضرغامی، بازین؛ شوشتری، سیدمحمدجواد؛ انصاری‌زاده، سلمان (۱۳۹۳). ژئوپولیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها). فصلنامه تحقیقات جغرافیای انسانی فصلنامه. ج ۴، ۶،

- ش ۱: ۲۱۴ - ۱۹۷.
۱۴. عظیمی دولت‌آبادی، امیر؛ سیف، زهره (۱۳۹۶). بررسی مقایسه‌ای جنبش حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام. ش ۱۱: ۱۲۶ - ۹۹.
۱۵. فوزی، یحیی (۱۳۹۱). علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن. فصلنامه مطالعات جهان اسلام. س اول. ش ۱: ۳۴ - ۱۷.
۱۶. فوزی، یحیی؛ هاشمی، سیدعباس (۱۳۹۴). جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر: بررسی منطقه‌ای. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۷. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶). تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب. بیداری اسلامی. دوره دوم، س چهارم. ش ۵۱: ۱۷۶ - ۱۴۳.
۱۸. مسعودنیا، حسین؛ خانی، اعظم (۱۳۸۵). بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا از دیدگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. ملک‌حسینی، محمدتقی؛ وطنی، علی؛ رضوی، محمد؛ آل‌وستانی، زینب (۱۳۹۴). سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی در بین مرزنیسان استان گلستان و راه‌های ارتقای آن. فصلنامه پژوهش‌نامه مطالعات مرزی. س سوم. ش ۱: ۱۱۶ - ۸۱.
۲۰. موسوی، سیدمحمد؛ باقری‌فر، محسن (۱۳۹۴). نظریه سازه‌نگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله و انقلاب یمن. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی. س چهارم. ش ۱۴: ۲۲۹ - ۲۰۷.
۲۱. میراحمدی، منصور؛ احمدوند، ولی‌محمد (۱۳۹۴). هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام. س اول. ش ۳: ۱۶۵ - ۱۴۵.
۲۲. مینایی، حسین؛ حاجیانی، ابرهیم؛ دهقانی پوده، حسین؛ جعفرزاده‌پور، فروزنده (۱۳۹۳). ارزیابی اثر فرایندهای مدیریت دانش در فعالیتهای دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. س بیست‌وسوم. ش ۷۰: ۵۹ - ۳۹.
۲۳. شیعه نیوز.
۲۴. همایش ژئوپلیتیک شیعه. اخبار شیعیان. ش ۸۴ و ۸۵. آبان و آذرماه ۱۳۸۹.

۲۵. البراهه، سامی (۲۰۱۱). الثورة التونسية افشلت جميع خطط الاستكبار العالمي.

ب) منابع خارجی و وبگاهها

1. Alhadeff, Iakovos (2016). The Geopolitics of the Civil War of Shia Islam, Russia: Smash words
2. Eagleton, T. (1991) Ideology: An Introduction. London And New York: Verso
3. Giddens, A. (2006) Sociology (5th). Cambridge: Polity.
4. Norton, Augustus Richard (2015). The Geopolitics of Shia and the Sunni-Shia Rift, in Regional Insecurity after the Arab Uprisings: Narratives of Security and Threat, Edited by Elizabeth Monier, UK: Springer